

مجموعه کتب میرویس بلخی

عیار  
جوانمردی  
از خلم

شهید معلم عبدالرزاق  
قوماندان جهاد و لسوالی خلم مربوط  
حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

نوشتهء مولوی عبدالرحیم «خلمی»

عیار

جوانمردی

از خلم

شهید معلم عبدالرزاق

قوماندان جهاد ولسوالی خلم مربوط

حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

نوشتهء مولوی عبدالرحیم «خلمی»

دكتور ميرويس بلخي

۲۰ ثور ۱۳۹۹

### مشخصات کتاب

نام کتاب: عيار جوانمردی از خلم

نویسنده: مولوی عبدالرحیم «خلمی»

تاریخ طبع: ۸- اسد سال ۱۳۷۰ هـ ش

تعداد طبع: یک هزار جلد (۱۰۰۰)

مسئول طبع: مولوی فقیر محمد «خنجری»

کمپوز: صبور لیزر کمپوزینگ ۱۰۲ گل حاجی پلازه

ادارهء طبع کننده: ریاست فرهنگی

ومطبوعاتى جمعیت طلبهء حرکت انقلاب

اسلامی افغانستان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا  
عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ  
قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ  
یَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیْلًا ۝

سوره احزاب . آیه ۲۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### مقدمه

هر کشور و هر ملتی در جهان از خود افتخارات فرهنگی، ادبی و تاریخی دارد که از یاد آوری آن بر خود میبald و بادر ج این افتخارات در برگهای تاریخ یادگار با ارزشی برای نسلهای آینده بجا میگذارد تا آینده گان خاطره ورهنمودی برای زندگی خود داشته باشند.

ملت کبیر افغان در پهلوی افتخارات عظیم و حیرت آور فرهنگی، تاریخی و ادبی، افتخارات بی شمار حماسی در عرصهء پیکار با دشمنان خدا و وطن خود داشته در

پهنهء تاریخ راد مردان نام آور وسلحشوران  
بی مانندی از این خطه سر برافراشته وبخاطر  
رفع وطرده هر نوع تهاجه دشمن چه دشمنان  
خدا وچه دشمنان استقلال وتمامیت ارضی  
چون سپر ودژی مستحکم وپایدار ایستاده  
گی کرده تا شکست وهزیمت نهائی دشمن از  
پای نه نشسته وسلاح بر زمین نگذاشته اند.  
افغانستان از روزی که تاریخ بیاد دارد  
مورد نظر وطمع جهان خواران وکشور  
گشایان شرق وغرب بوده است وچندین مرتبه  
در هریک از ادوار تاریخ خود مورد تاخت  
وتاز قرار گرفته که نخستین آن تا جائیکه  
تاریخ نویس ها توانسته اند از ورای

صفحات تاریخ دستیاب کنند یورش قشون اسکندر مقدونی، مقارن سالهای (۲۳۰-۲۳۳) قبل از میلاد حضرت مسیح بوده است.

اسکندر که از مقدونیه (یونان) به عزم تسخیر جهان حرکت کرده بود تا آنطرف مرز های افغانستان که در آن وقت آریانای کبیر یاد میشد، مقاومت قابل توجهی از ملل مورد هجوم خود مشاهده نکرده کشورها و شهرهای زیادی را یکی پی دیگر مفتوح و مسخر ساخت.

در کشور آریانا اولین شهر تحت هجوم او هرات بود که مقاومت بی نظیر مردم آن

مدت زیادی او را بخود مصروف ساخت  
 و برای او این سر سختی و مقاومت موضوع  
 جالب و حیرت انگیزی بود. بعد از غلبه بر  
 هرات و تعیین حاکم، به طرف سیستان رفت  
 ولی به محض دوری، مردم بر حاکم دست  
 نشاندهء شوریده او را کشتند. اسکندر  
 مجبور به برگشت شده بار دیگر به سرکوبی  
 قیام کننده گان پرداخت. در هرکوه و کمر و هر  
 شهر و قریه از مردم مقاومت و پایداری دید  
 و هرگز طعم پیروزی واقعی را بر این ملت  
 نچشید.

بعد از اسکندر موریائی های هند به قصد  
 تسخیر و تسلط بر آریانا اقدام به لشکر

کشی نموده ولی در کوهپایه های مرکزی کشور به اثر حملات بی امان رزمنده گان و شبخون های غافلگیرانه سلحشوران آریائی تلفات سهمگینی متحمل شده مجبور به فرار گردیدند. از همین رو این کوهپایه ها به نام هندوکش شهرت تاریخی یافته است.

بعد از شرفیابی مردم این سرزمین به دین مسبین اسلام و تشکیل خلافت های اموی و عباسی در بغداد گرچه مردم ما از جان و دل اسلام را پذیرفته بودند اما در مقابل باج گیری ظالمانه حکام بغداد تحمل نیاورده رادمردان نامدار چون ابو مسلم خراسانی- طاهر پوشنگی و یعقوب صفاری بازور گویان

بغداد مقابله نموده استقلال سیاسی  
 و اقتصادی خراسان زمین را اعاده کردند.  
 چند سده قبل از امروز چنگیز خان مغول  
 فقط به هدف کشتار و ویرانی آبادی ها  
 و نابودی تمدن و فرهنگ پر غنای ما با  
 لشکرو حشی و خونخوار خود به خراسان  
 هجوم آورد. حتی یکی از شهر های ما بدون  
 مقاومت بدست او نیفتاد. شهر های بزرگ  
 چون بلخ- هرات- بامیان- مرو - خجند  
 - نیشاپور و سبزوار تا آخرین رمق مقاومت  
 کردند و تا آخرین نفر شهید شدند اما تسلیم  
 نشدند. مدتی هم حکام صفوی و قاجاری ایران  
 قسمتهای از خاک این سرزمین مرد پرور را

تحت اشغال خود داشته از هیچ نوع ظلم  
 و استبداد بر علیه مردم مناطق تحت تصرف  
 شان دریغ نورزیدند ولی این زورگوئی ها هم  
 مدت زیادی مورد تحمل این ملت واقع نشده  
 ابر مردانی چون میرویس و محمود هوتکی  
 بنای تظلم ایرانی ها را بر کردند و بر آنها  
 آنطور تاختند که خود شان بدست خود تاج  
 شاهنشاهی ایران را بر تارک فرمانده سپاه  
 ظفرمند افغان نهادند.

بعد از ایرانی ها نوبت به انگلیس ها  
 رسید تا طعم مقابله با این مردم غیور  
 و تسخیر نا پذیر را به چشند. در سال  
 (۱۸۴۱) میلادی انگلیس شروع به مداخله

در اوضاع سیاسی افغانستان نموده شاه  
 شجاع را تحت حمایت مکناتن به تخت  
 سلطنت نشانندند. این مداخله مدت يك و نیم  
 قرن یعنی یکصد و پنجاه سال تمام ادامه پیدا  
 کرد تا اینکه در سال (۱۹۱۹) میلادی در  
 اثر شکست مفتضحانهء که از سپاه دلاوران  
 و سر سپرده گان افغان خوردند با سرافکنده  
 گی خاک ما را ترك نموده و این شکست سر  
 آغاز از هم پاشیده گی امپراتوری کبیر  
 بریتانیا بود که روز گاری بنابه گفته خود  
 آنها آفتاب در قلمرو شان غروب نمی کرد.  
 در طی این یکصد و پنجاه سال مداخله ،  
 انگلیس هم نفس راحتی نتوانست بکشد

گذشته از نبرد های مشهور اول و دوم و سوم  
افغان وانگلیس و جنگ های میوند و جلال  
آباد، هر روز و هر لحظه در هر بیشه و کوی  
و برزن مجاهدین با نعره های تکبیر چون  
صاعقه بفرق شان فرود می آمدند و عدهء  
بیشمار آنها را به خاک و خون میکشیدند.

در اخیر دههء هفتاد قرن بیستم میلادی  
کشور روسیه شوروی ظاهر بخاطر استحکام  
رژیم مزدور دست نشانده اما در باطن بمنظور  
اشغال کشور و رسیدن به آبهای گرم بحرهند  
که از زمان امپراتوری پتر کبیر نقشهء آن  
طرح گردیده بود، با بیشتر از یکصد هزار  
سرباز و ده ها هزار تانک و توپ و صد ها

۱۰

فروند طیاره جنگی وانواع ساز وبرگ  
 پیشرفته نظامی بر ملت مظلوم وبیدفاع ما  
 یورش آورده بخاطر سرکوب روحیه مقاومت  
 وپایداری مردم ما تمام انواع جنایات مروجہ  
 وحتى ابداعات جنائی ووحشی گری را بکار  
 گرفتند ولی سودی نه بخشید وبعد از دوازده  
 سال بر بریت وسفاکی به اثر مقاومت  
 ومردانگی جهاد گران سر بکف ما باذلت  
 وشرمساری مجبور، ر به فرار شده برای اولین  
 بار اردوی نام آور سرخ معنی شکست را  
 درمقابل يك ملت بیدفاع وتھی دست  
 فهمید. همینطور این شکست برای امپراتوری  
 روسیه شوروی نیز سر آغاز از هم پاشیده

گی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ایجاد  
 روحیه مقاومت در بین سایر ملل تحت  
 استعمار آن گردید.

بیان قهرمانی ها و معرفی قهرمانان  
 معرکهء جهاد حق علیه باطل درین چند برگ  
 محدود بعید از امکان بوده ، و تا حال به  
 همیاری اهل قلم و دانشمندان متعهد کارهای  
 ارزشمندی درین زمینه صورت گرفته و این  
 سلسله ادامه دارد تا به این طریق افتخارات  
 جهادی و حماسی ملت ما ثبت اوراق تاریخ  
 شده میراثی جهت بیداری روح رزمنده گی  
 و جهادگری نسلهای بعدی ما باقی ماند.

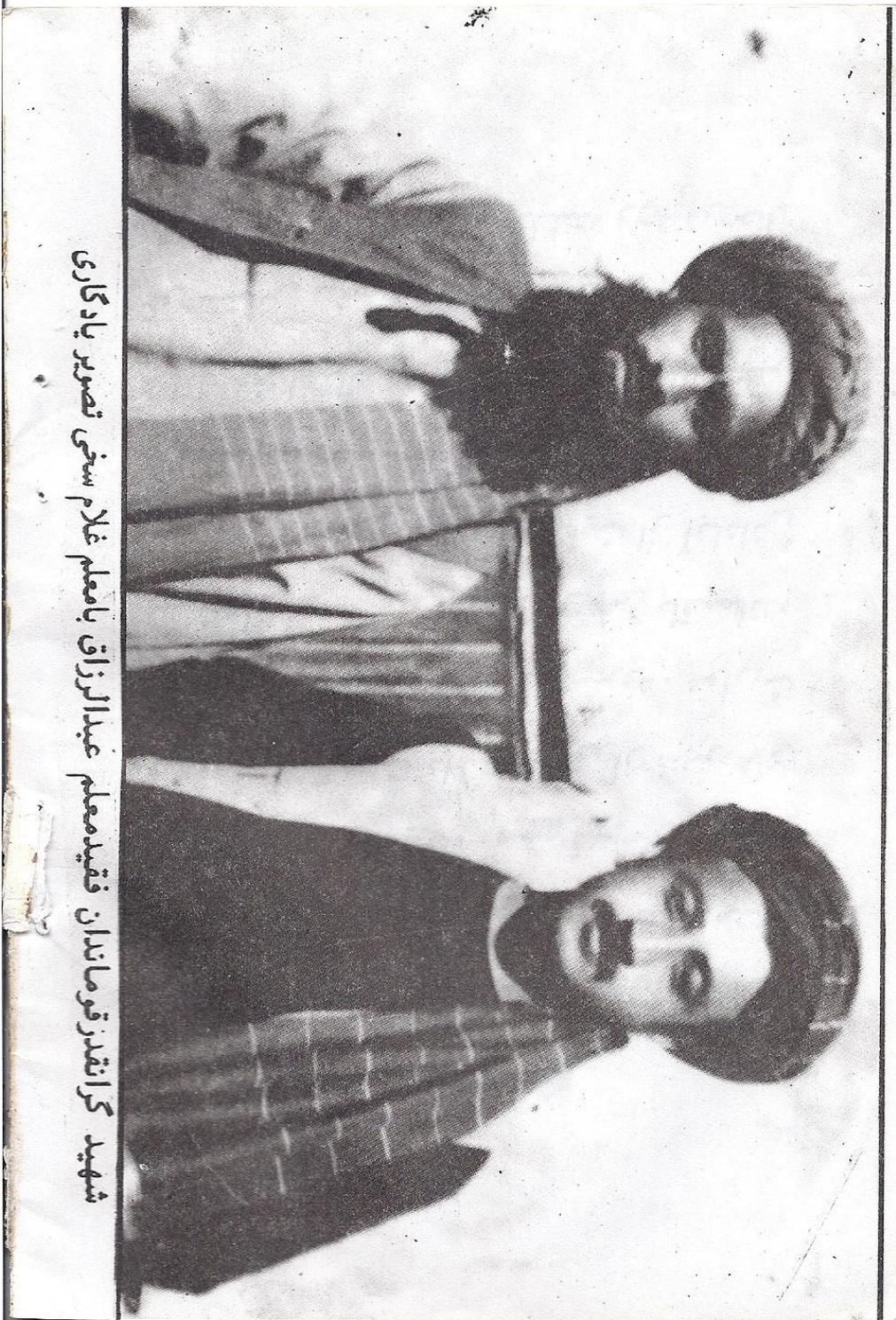
به همین سلسله خواستیم یکی از این ابر

مردان جهادی را که درین اواخر با نوشیدن  
جام شهادت به لقاء الله پیوسته برای  
هموطنان مسلمان و مبارز خود معرفی و با ذکر  
گوشه های محدودی از مجاهدت و ایثار گری  
هایش یاد او را گرامی داشاته باشیم. لازم  
دانسته میشود قبل از معرفی این عزیز از  
دست رفته نکاتی چند پیرامون خصوصیات  
و ویژه گی های زادگاه این مجاهد نامور  
یعنی شهید قهرمان پرور خلم یاد آوری  
گردد.

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*



شهید کرانقدر قوماندان فقیه معلم عبدالرزاق با معلم غلام رحیمی تصویر یادگاری

## خلم

شهری تاریخی، با اهمیت سوق الجیشی  
 ولسوالی خلم بفاصله (۵۵) کیلو متری  
 غرب سمنگان جایگاه رستم قهرمان شهنامه  
 فردوسی موقعیت داشته یکی از شهرهای  
 تاریخی افغانستان به شمار میرود. مواریث  
 بی شمار فرهنگی، ادبی و تاریخی باقیمانده  
 از اعصار و قرون گذشته حکایت از آبادانی  
 و زندگی پر بار و با ثمر مردم آن دارد. از  
 لحاظ جغرافیائی این شهر در نزدیک معبر  
 کوهستانی و کم عرض قرار دارد که از نقطه  
 نظر سوق الجیشی چه در گذشته و چه در حال

و آینده حایز اهمیت خاص میباشد. همین موقعیت سوق الجیشی سبب توجه مهاجمینی بوده که آرزوی گذار از این معبر و منطقه را داشته اند. همینطور آب و هوای گوارا، موجودیت اراضی خرم و شاداب، گله های بیشمار دام، باغ های پراز درختان پر بار میوه های متنوع و لذیذ چون انار، سیب و انجیر و انگور و غیره علاقه هرکشور گشا و جهان خوار را که به قصد تسخیر کشور ما داخل مرز تسلط فوری بر این شهر راسخ تر ساخته. ولی همین موقعیت خاص جغرافیای و آب و هوای گوارا همانطوریکه سبب ایجاد روح پایداری و مقاومت و حفاظت منطقه از

زخم چشم همهء بدنظران و طمع گاران نیز  
شده است.

این شهر از لحاظ ارتباط اداری در  
سالهای گذشته گاهی مربوط سمنگان و گاهی  
مربوط بلخ بوده اما از لحاظ تاریخی یکی  
از شهرستان های بلخ باستان دانسته  
میشود. که از مقاومت و پایداری و تسلیم  
ناپذیری ساکنان بلخ و شهرستان هایش تا مرز  
آخرین رمق و آخرین نفر در مقابل حملات  
و کشتار بی رحمانه چنگیزیان داستان  
و حکایت های بی شمار و محیر العقولی در  
صفحات تاریخ مطالعه کرده ایم.  
بعد از رفع غامله چنگیز هر بار دیگر که

این شهریا نواحی نزدیک آن مورد تهاجم بیگان قرار گرفته مردم مقاوم و دشمن بر انداز خلم با تمام قدرت از مرز وبوم شان دفاع کرده هیچ گاه بدشمن این فرصت را نداده اند که بخاطر آرام از این معبر سوق الجیشی عبور کند.

در سال ۱۹۷۹ میلادی مطابق ۱۳۵۸ شمسی که قشون اشغالگر و تجاوز کار و بی فرهنگ روسیه شوروی با کمال بی حیائی بدون دلیل دریای آمو را عبور و سرزمین مرد خیز و قهرمان پرور ما را مورد تهاجم وحشیانه قرار داد چون حفظ و نگهداشت معبر سوق الجیشی و استراتیژیک خلم عبور

و مرور محفوظ و مضمئنه کاروان های  
 اکمالاتی و نظامی اش دارای اهمیت حیاتی  
 بود، لذا در قدم نخست کنترل خلم را از  
 اهداف اولیه بشمار آورد و قوای رزمی  
 خاص و جنگ دیده را در باغ جهان نمای خلم  
 که زمانی چون عروس زیبای در دامن خلم  
 آرامیده بود، جایگزین و از این طریق  
 خواست حاکمیت و کنترل خود را بر معبر  
 استراتیژیک تثبیت و با خاطر آرام ساز و  
 برگ نظامی خود را جهت مقابله باموج  
 خروشان قیام بر حق مردم سایر مناطق کشور  
 انتقال دهد ولی از این گفته شاعر غافل بود

«هر بیشه گمان مبر که خالیست  
 شاید که پلنگ خفته باشد»

مدت اندکی از تمرکز قوای اشغالگر در  
 خلم سپری نشده بود که شیرزاده گان خلمی  
 با نیروی عقده و ایمان به خدا و اسلام عزیز  
 وبا وسایل خیلی ساده و ابتدائی جهاد  
 مسلحانه و برحق را آغاز و در کمترین فرصت  
 عرصه را چنان بر آنها تنگ نمودند که دیگر  
 حتی حصارى بلند باغ جهان نما هم نتوانست  
 پیکر های پلید روس ها را از تیررس و گزند  
 پیکان های رها شده از جانب مجاهدین سر  
 بکف محافظت نماید.

حتى يك قطار اكالاتى روس بدون آسیب

وتلفات سنگین جسمی و مالی نتوانست از  
 معبر خلم عبور کند. درین پیکار بر حق همه  
 اهالی مسلمان خلم بصورت مستقیم و غیر  
 مستقیم سهیم بودند و همین درک بود که  
 دشمن طی يك دهه تا توانست بر فرق مردم  
 و بر خانه و کاشانهء شان بم و ناپالم و آتش را  
 فروریخت تا بفکر ابلهانهء خودش بتواند  
 مجاهدین را از حمایت مردم محروم سازد  
 اما هر قطرهء خونی که توسط دشمن  
 ریختانده شده صد ها جوان دگر را به صف  
 مجاهدین رهنمون شد.  
 قهرمانان زیادی در جریان پیکار حق علیه  
 باطل در این خطهء باستان پا بمیدان گذاشتند

۲۰

وبا ایثار گری و فدای جان شیرین حماسه های  
حیرت آور و افتخار افزین بیادگار گذاشتند  
که از جمله مشهورترین این عزیزان یکی هم  
معلم عبدالرزاق شهید است.

پیرامون سجایا- قهرمانی ها- تقوا و سایر  
خصوصیات این عیار سرزمین بلخ اگر  
طوری که شایستهء حال اوست نوشته شود  
وقت کافی لازم است. با اطلاع از شهادت  
نابه هنگام این قهرمان معرکه جهاد بیاس  
گرامی داشت مقام والای او ضمن مختصر  
معرفی او گوشهء محدودی از عملگرد های  
بی شمار جهادی این قهرمان اسلام شرح  
داده میشود تا هموطنان مسلمان ما با

مفاخر جهادی شان آشنا و نسل جوان ما برای  
ادامه راه این مشعل داران حق رهنمودی  
داشته باشند.

#####

#####

#####

#####

#####

#####

#####

#####

###

#

## معلم عبدالرزاق

### عیاری از عیاران خلم

سی و چهار سال قبل از امروز بسال  
 ۱۳۳۶ هجری شمسی در قریه نو آباد یکی  
 از دهات خرم و شاداب خلم نوزادی پا بعرصه  
 وجود گذاشت که نام عبدالرزاق را بر او  
 نهادند شاید در آنزمان هیچ کس از  
 اطرافیاننش را گمان بر این نمی رفت که این  
 کودک روزی یکی از علم برادران جهاد  
 اسلامی باشد و جنگاوری شود که در مقابل  
 لشکر ابر قدرت جهانی قدبر افرازد و به  
 نیروی ایمان و عقیده اسلامی چنان ضربات  
 خورد کنندهء بر دشمن وارد سازد که دشمن

با همه قدرت و شهرت کاذب تاب مقاومت  
 نیاورده سر عجز و شرمساری به پیشگاهش  
 بساید.

پدر این نوزاد فضل احمد مرد دهقان پیشه  
 وزمین دار متوسطی بود وبا عرق ریزی  
 و پشتکار بزراعت و کشتمندی چند جریب  
 زمین متعلقه اش مصروف بود تا بتواند رزق  
 حلالی برای خانواده اش بدست بیاورد.

عبدالرزاق چون دورهء کودکی را پشت سر  
 نهاد و بدورهء رسید که یا میبائیست با چشم  
 پوشی از فیض کسب علم با پدرش در امر  
 کشت و زراعت همیاری نماید و یا اینکه با  
 شمول بمدرسه از فیوض معرفت بهره ور

شود. درین موقع پدر او که مرد منور و آگاه از اهمیت کسب دانش بود، در حالیکه به همیاری فرزند در آبیاری و کشت و جمع آوری محصول زمین سخت ضرورت داشت، همهء این تکالیف را بخود متقبل شده نو باوهء خود را اجازه داد تا بمدرسه برود و به جوهر علم و معرفت آراسته گردد.

بعد از انجام موفقانهء دورهء تعلیمات ابتدائی نظر به استعداد و علاقه خودش و پدر فدا کارش شامل دورهء ثانوی شده به سال ۱۳۵۶ شمسی هجری بدرجهء عالی سند بکلوریا را از لیسه مرکز ولسوالی خلم بدست آورد.

چون در او اندوختهء علمی وافری مشاهده نمودند او را به حیث معلم در مکتب درهء زندان یکی از توابع خلم مؤظف ساختند. در دورهء تعلیم و زمان معلمی نظر به علاقه و ذوق مفراطی که به فهم مسایل مختلف علمی داشت لحظهء را فارغ از مطالعه کتب سودمند ضایع نکرده سطح معلومات خود را افزایش میداد. با مدتی تدریس مسلك معلمی مورد پسند او واقع شده، خواست با شمول در دارالمعلمین تخصص بیشتری درین زمینه کسب و مصدر خدمات ارزنده تری برای نو نهالان خلمی شود. بناء در سال ۱۳۵۸ شامل دارالمعلمین ولایت سمنگان

گردید.

سال ۱۳۵۸ شمسی هجری به تحقیق یکی  
 از تاریخ ترین سالهای تاریخ کهن کشور ما  
 بشمار میرود. درین سال حوادث خونین  
 همانند قیام فرقه بالاحصار کابل- قیام  
 چنداول- قیام فرقه ریشخور- قیام فرقه  
 جلال آباد و ده ها قیام در هر گوشهء و کنار  
 میهن ما و سرکوب وحشیانه هریک از این  
 قیام ها و کشتار ده ها هزار انسان بیدفاع  
 اعم از عالم- روشنفکر محصل پوهنتون  
 شاگردان مکاتب، مامورین و کارمندان دولت  
 صاحب منصبان عسکری و سایر گروه ها  
 توسط رژیم ملحد صورت گرفته حتی واقعه



قوماندان قهرمان معلم عبدالرزاق شهید رح با مولوی عبدالرحیم «خلمی» با  
دو نفر از مجاهدین همسنگر خویش در ولسوالی خلم

سیاه ششم جدی نیز در همین سال تحقق یافته خلقی ها در جریان سال ۱۳۵۸ بنا به دستور رهبر نادان شان تره کی لعین دست به تصفیه سیاسی، اجتماعی به شیوه تصفیه استالین زده هر کسی را که صاحب مفکوره اسلامی و ملی و میهنی می یافتند و یا میشناختند سر به نیست میساختند در اواخر این تصفیه را گسترش داده طبقات محروم جامعه بشمول دهقانان، کارگران و کسبه کاران را نیز تحت پی گرد و تعقیب و آزار قرار داده هر شب و روز چون جغد و خفاشان منحوس بر خانه و محل کار مردم هجوم برده عدهء رابا خود میبردند که تا حال

از سر نوشت ان عزیزان مظلوم اطلاعی  
 در دست نیست این همه سفاکی و ددمنشی به  
 روحیه معلم عبدالرزاق تأثیر وارد آورده او  
 را مصمم به مقاومت در برابر دسایس و پلان  
 های شیطنانی خلقی ها نمود. نقش عمده او  
 در محیط دارالمعلمین افشاء دسایس حزبی  
 ها و تبلیغ بر علیه مقاصد شوم این جنایت  
 پیشه گان بود. وبا دانش کافی که داشت  
 عده زیاد جوانان مسلمانی را که امکان  
 میرفت از خوف جان تحت تأثیر تبلیغات  
 زهراگین خلقی ها قرار گرفته منحرف شوند  
 بدور خود جمع نمود ذهن آنها را در برابر  
 توطئه های دشمن روشن و بیدار

نگه‌میداشت.

دشمن بالاخره متوجه این سپر مقاوم گردیده او را نیز همانند عدهء بیشمار دیگری که قبلاً به اسارت برده بود، شبنگاه توسط ماموران اطلاعاتی خود بدام انداخت و به محبس منتقل نمود. در زندان رژیم ملحد تحت کشنده ترین و دردناک ترین شکنجه های خلاف کرامت انسانی بسر آورد ولی دشمن نتوانست روحیه مقاوم او را در هم کوبیده حتی يك كلمه از دهان او بدر بیاورد.

بربریت و وحشی گری های که او در داخل زندان از این مدعیان رفع استعمار انسان از انسان و وعده دهنده گان لباس و غذا و مسکن

۳۰

مشاهده نمود ، با خدای عزوجل عهد و پیمان بست که اگر از این دخمهء مخوف زنده بدر شود باقی مانده عمر را حتی اگر يك لحظه هم باشد در مجاهدت براه خدا بر علیه ظلم و بیداد کمونیزم و آدم خواران مزین به لباس تمدن صرف نموده بخاطر نجات مردم مظلوم و بی دفاع از چنگال این اهریمن های بی مثال قرن بیستم دست به اقدام عملی بزنند. و به پیروی از راه عیاران باختر زمین داد مظلومان را از ستمگران و جباران بستانند.

شاید عهد و پیمان او و شاید هم نیایش دیگر مظلومان بدرگاه رب العزت قبول واقع شده همچو عیار جوانمردی از زیر تیغ مصبان

مدعی حقوق بشر جان سالم بدر برد و بعد از  
یکسال اسارت از بند رها گردید و طبق پیمان  
بدون اندک درنگ به جهاد مقدس و مسلحانه  
پیوست .

آنهایی که از جوهر دانش بر خور دارند  
در همه حالات از خود شایستگی و درایت  
تبارز میدهند. او هم در مدت بسیار کمی با  
تهورات و کار آئی های که جهت سوق  
ورهبری عملیات جنگی و تحلیل و تجزیه معقول  
شرایط ماحول درک عمیق و دقیق مسایل  
سیاسی، اجتماعی از خود نشان داد از حدیک  
مجاهد عادی و جنگجوی معمولی گذار نموده  
به صف فرماندهان جا گرفت و به محدود

زمانی با شهرتی که در بین دوستان و دشمنان  
بدست آورده بود در صف فرماندهان نیز از  
جمله نام آوران گردید.

برای بسیاری از قطعات خورد و کوچک  
دشمن فقط شنیدن نام معلم عبدالرزاق کافی  
بود تا همه مهمات حربی شانرا به جا  
گذاشته از ترس جان راه فرار در پیش  
گیرند. حتی روس های وحشی صفت از  
شنیدن نام او بر خود می لرزیدند و جرأت  
رویا روئی با او را در خود سراغ نمی دیدند  
هرباریکه دشمن قصد حمله به جبهات و سنگر  
او راداشته قوای عظیم زرهی و نفرات ارتش  
بی شماری را فراهم میآورد چون میدانست

با قدرت کم امکان مقابله با او میسر نبود. با آنهم در هر بار تعرض دشمن به سنگر های او با وجود آتش سهمکین و بلا انقطاع زمینی و هوائی و کار برد مدرن ترین انواع اسلحه نتوانسته قدمی به جلو بگذارد در بعضی حالات حتی ظرف چندین روز نبرد و محاصره با بجا گذاشتن صدها کشته و زخمی از عساکر و صاحب منصبان خود و تحمل خسارات هنگفت مالی مجبور به فرار گردیده است.

حملات طوفان وار و درهم شکن او بالای مواضع قطار های اکمالاتی قوای روس حتی تا آخرین روز های فرار این درنده صفتان

ادامه یافت و توانست در آخرین روز های  
 موجودیت روسها اوتن از افراد شانرا به  
 اسارت در آورد. روسها هر قدرت و نیرنگی  
 که بکار بردند کار گر نیفتاد مجبوراً تن به  
 سازش داده در بدل رهائی شصت و هشت تن  
 مجاهدین اسیر در زندان های رژیم مزدور ،  
 رهائی دو نفر اسیر شانرا حاصل دارند.

در دوران جهاد چند بار از تیر دشمن زخم  
 برداشت ولی هر يك از این زخم ها او را در  
 بسر رسانیدن آرمانش مصمم تر و جدی تر  
 ساخت حتی در وضع نقاحت ناشی از زخم  
 دشمن نیز بر دشمن یورش میبرد.

اخیراً با تأسف اطلاع حاصل شد که این

مجاهد قهرمان علم بردار جهاد مسلحانه  
 اسلامى در خلم وتك سوار طريق عياران بلخ  
 طى علميات رزمى بتاريخ ۲۳ ماه جوزاى  
 ۱۳۷۰ خورشيدى به اثر انفلاق مرمى هاوان  
 دشمن بدرجه والای شهادت نایل آمده وبه  
 لقاء الله پيوسته است. (انا لله وانا اليه  
 راجعون). بعد از شهادت شان براساس  
 فيصلهء قوماندنهای مربوطه وتأيد امر  
 ولايتى جناب مولوى صاحب محمد اسلام»  
 محمدى» برادرش محترم محمد صادق در  
 عوض شان بحيث امر غند تعيين ومنتخب  
 گردید.

گرچه فقدان همچو قهرمانان در شرايط

کنونی که جهاد اسلامی وارد مرحله  
سرنوشت ساز خود گردیده جبران نا پذیر  
و خیلی اندوهناک است ولی باور کامل است که  
بجای هر قطره خون او ده ها قهرمان دیگر  
پیا خواهد خواست و نخواهد گذاشت درفش  
پیروزی جهاد با فروغلتیدن معلم عبدالرزاق  
همچنان بر زمین باقی بماند.

یاد آوری و ذکر همه عملکرد های جهادی  
این اسوهء تقوا فرصت کافی ضرورت داشته  
انشاء الله این مأمول درآینده از طرف  
مؤرخین و نویسندگان گرامی که تاریخ  
مبارزات اسلامی ملت ما را در قبال تجاوز  
روسیه شوروی ثبت خواهند کرد به تفصیل

یاد خواهد گردید.

درین رساله که به گرامی داشت شهادت آن  
قائد شهید ترتیب شده بصورت نمونه گوشهء  
از عملکرد های متهورانہ جهادی او بصورت  
خلاصه یاد میشود.

#####

#####

#####

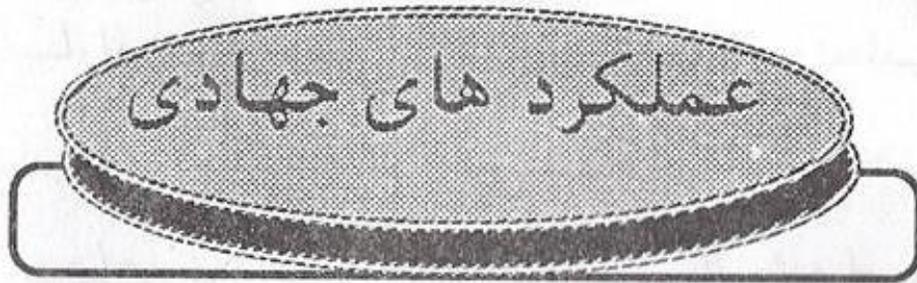
#####

#####

#####

#####

####



۱- در سال ۱۳۶۱ خورشیدی دولت ملحد  
 ودست نشانده با ضرباتی که از عملیات  
 گوناگون و هماهنگ مجاهدین خلم خورده  
 بود خواست با ایجاد پوسته بسیار مجهز به  
 اصطلاح امنیتی در ناحیه اخیر باغ ذخیره  
 خلم راه رفت و آمد مجاهدین را با قرارگاه  
 ومراکز کوهستانی شان قطع ویا لاقلاً این  
 راه را تحت مراقبت قرار دهد. ایجاد این  
 پوسته واقعاً برای مجاهدین مشکلات زیادی

ВОДИТЕЛЬСКОЕ УДОСТОВЕРЕНИЕ  
PERMIS DE CONDUIRE

Фамилия *Вагапув Шах*  
Имя *БАНАДИР ШАН*

Отчество .....  
Дата и место рождения *1958г.*

Место жительства *Абдушеман*

ABT  
(бонусы заката)

№ 593166

Выдано  
ГМД МВД - УВД

РОСТОВСКАЯ ОБЛАСТЬ

*24.09.1987*  
(дата выдачи)

Действительно до  
Истекает  
КОМПЕТЕНТ



СССР SU USSR

История транспортных средств, на управ-  
ление которыми выдано удостоверение  
А М О Т О Р И К А М М  
Место печати  
РАСПЕШЕНО

В Автомобили (за исключением  
упомянутых в категории А), раз-  
решения максимальной вес ко-  
торых не превышает 3500 кг  
(7700 фунтов) и число сидений  
мест которых, помимо сиденья  
водителя, не превышает восьми.  
РАСПЕШЕНО

С Автомобили, предназначенные  
для перевозки грузов, разрешен-  
ный максимальный вес которых  
превышает 3500 кг (7700 фунтов).

Д Автомобили, предназначенные  
для перевозки пассажиров в числе  
более 8 человек мест,  
позволяющих водителя.

Состав транспортных средств  
с триаком, относящихся к катего-  
риям В, С или Д, которых зо-  
датель имеет право управлять, но  
которые не входят сами в одну  
из этих категорий или в эту  
категорию.

Подобных отметок *А 53 920518*

ПТФФ. 1972

«تفصیل درماتن کتاب»

کارت شناسائی عسکر اسیر شده روسی

ببار آورده و درهم کوبیدن آن هم کار آسانی نبود. اما معلم عبدالرزاق به همراهی مجاهدین تحت فرمانش با کمال شهامت و شجاعت در ماه جوزای آن سال بر این پوسته یورش برده آنرا در هم کوبیده تمام سلاح و مهمات آنرا به غنیمت گرفت.

۲- در همین سال که روسها با تاکتیک وحشیانه سوزاندن مزارع و خرمن ها، مردم و خصوصاً مجاهدین را از دسترسی بمواد غذایی محروم می ساختند و برآستی نیز مجاهدین به کمبود مواد ارتزاقی مواجهه بودند، معلم عبدالرزاق شهید طی عملیاتی بتاريخ اول ماه سرطان در منطقه زنجیر گاه

**УДОСТОВЕРЕНИЕ ЛИЧНОСТИ**

ПЛ № 067836

*Угитпенко*  
(Фамилия)  
*Табал Дюблебу*  
(Имя в отчестве)

состоит на действительной  
всенной службе в Вооруженных  
Силах СССР.

1. Число, месяц и год  
рождения: *1938*  
М. П. *1938*

2. Личная подпись



3. Место рождения: *с. Б. Калчобур*  
*Крепичинского р-на*  
*Дальневосточ. обл.*

4. Национальность: *русская*

5. Как выдано удостоверение: *по выписке из списка*  
(выдано по выписке из списка (в отчестве)),  
*Солженицын*

6. Подпись должностного лица, выдавшего удостоверение: *Солженицын*  
М. П. *33662*  
*полк ВВС*  
*г. Хабаровск*

7. Дата выдачи: *1985*  
М. П. *1985*

« تفصیل در متن کتاب » کارت شناسائی صاحب منصب اسیر شده روسی

۴۰

واقع مسير شاهراه كابل حيرتان بالاي  
 كاروان اكملاتي رژيم يورش آورده با آتش  
 زدن يك دستگاه تانك زرهی و چندین وسیله  
 دیگر نظامی قوماندان كندك محافظ  
 قطارمذكور را همراه چند تن دیگر از  
 افرادش به هلاکت رسانیده چندین عراده  
 موتر را با مقادیر متنابهی گندم وسایر مواد  
 غذائی بدست آورد.

۳- بسال ۱۳۶۲ خورشیدی در ماه میزان  
 قوای روسی با کسب اطلاعی از موجودیت  
 گروه کثیری از مجاهدین در داخل قرأ  
 وقصبات با نیروی هیبت ناک و وسایط کثیر  
 زرهی تمام قرأ اطراف خلم را به امید اینکه

عدهء از مجاهدین جان فدا را زنده بدست آورند به محاصره کشیدند و همه راههای اکمالاتی و عقب نشینی را مسدود نموده بودند در چنین حالتی که کمتر امکائی برای نجات وجود داشت تنها حملات جسورانه معلم عبدالرزاق و یاران او بود که طی ده روز نبرد تلفات بی شماری را برای روس ها وارد و آنها را مجبور به ختم محاصره و عقب نشینی نمود.

۴- با اوج گیری روز افزون قیام مسلحانه مجاهدین و وارد شدن ضربات خرد کننده بر قوای روس در خلم و قوای در حال عبور از معبر استراتیژیک خلم، روس ها خواستند در

عرض راه ، راه مجاهدین از قرار گاه های  
 کوهستانی شان الی نواحی نزدیک نهر خلم  
 در منطقه قران دره کمین نموده با حمله  
 غافلگیرانه و نامردانه ضربه کاری به گروپ  
 های در حال عبور مجاهدین وارد سازند. این  
 پلان را در ماهشور سال ۱۳۶۳ عملی  
 نمودند. معلم عبدالرزاق ویاران مجاهدش با  
 اطلاع از این پلان شوم از عقب خط تمرکز  
 قوای روس بالای شان حمله آورده یک عراده  
 تانک زرهی شانرا تخریب، شش تن افراد  
 شانرا هلاک و عدهء زیادی از آنها را مجروح  
 نموده روس ها که کاملاً غافلگیر شده بودند  
 جز فرار چارهء دیگری ندیده منطقه را

ترك گفتند.

۵- باغ جهان نمای خلم که یکی از آثار تاریخی با ارزش و از تفرح گاههای زیبای کشور ما بود بعد از ورود قوای روس به خلم به قرار گاه مستحکم قوای مشهور به والگا که یکی از قطعات زنده و دارای اهمیت روسها بود، تبدیل گردید. روسها مدتی را در پناه حصار بلند و مطمئن آن احساس آرامش کرده بعد از انجام عملیات ویرانگر خستگی شانرا در سایه درختان تنومند وزیر سقف های بلند و خوش هوای آن با باده نوشی و عریده کشی رفع میکردند.

تحمیل این وضع برای معلم عبدالرزاق شهید

مشکل آمده در ماه دلو سال ۱۳۶۳ خورشیدی همراه با مجاهدین تحت فرمان خود از دامنه کوه کنج توسط توپ و هاوان (۸۲) ملی متری هستهء مرکزی باغ جهان نما را تحت آتش بی امان و پیاپی قرار داد که در نتیجه (۳) تن از افراد روسی هلاک و عده دیگری زخمی شدند بعد از این تاریخ روسها احساس اطمینان را نسبت به امنیت شان در پناه حصار باغ جهان نما را از دست داده کمتر در صحن باغ ظاهر میشدند.

۶- باردیگر در ماه حوت سال ۱۳۶۳ از همان نقطه قبلی با سلاح قویی یعنی توپ و هاوان (۸۲) میلی متری باغ جهان نما یا

قرار گاه قوای روس را بصورت دقیق و حساب شده تحت آتش مرگبار قرار داده يك ديپوی عظیم اسلحه و مهمات آنها را به آتش کشید که از اثر انفجارات ناشی از آن سه عراده تانک زرهی « و تعداد وسایط دیگر جنگی طعمه حریق شده عدهء زیادی از روسها هلاک و زخمی شدند.

۷- بروز ششم ماه حمل ۱۳۶۴ خورشیدی روس ها با ما یوس شدن از عملیات مختلفی که بری جلوگیری از فعالیت نفوذی مجاهدین انجام داده وهمهء آن فاقد نتیجهء مطلوب برای شان بود، عزم کرده بودند با انجام عملیات وسیع بالای قرار گاه های

اصلی مجاهدین در کوههای اطراف خلم این پایگاه ها و قرارگاهها را از بین برده، خاطر خورد از ناحیه حملات ناگهانی مجاهدین که گاه و بیگاه با لای قطارهای اکمالاتی و پوسته های شان انجام می شد، آرام سازند. بناً با قوای زیاد زرهی و حمایت آتش توپخانه و قوای هوایی به این قرارگاهها حمله بردند .

پلان روسها طوری بود که در مدت کمتر از یکروز نتیجهء دلخواه را حاصل و دوباره راه قرارگاه شانرا پیش گیرند. اما مقاومت ویورش های متقابل معلم عبدالرزاق و مجاهدین هم سنگر او هفت شبانه روز روس

ها را دردشت و کوه سرگردان و به تکلیف  
نگهداشت که در اخیر به اثرتلفات سنگین  
نفرات خود مجبور به عقب نشینی گردیده  
بازهم بدون نتیجه و سر افگندگی به مراکز  
شان برگشتند.

در جریان این نبرد يك فروند هیلی کوپتر  
روسها با آتش سلاح ثقیل مجاهدین ساقط  
گردید. محل سقوط آن راکه بالای تپهء  
کوهی واقع است مردم منطقه بزبان عامیانه  
«کلهء طیاره» نام گذاشته اند. بعد از فرار  
روسها از صحنهء این نبرد طولانی علایم  
زیادی از قبیل لباس عساکر، کلاه کفش  
وباریکه های خشکیده خون بجا مانده بود که

همه آن گواه تلفات سنگین آنها بوده است.

۸- موارد بسیاری بمشاهده رسیده که عده از افسران و سربازان اردوی رژیم ملحد از کشتار بی رحمانه و بدون موجب هموطنان مسلمان و مظلوم شان احساس بیزاری و پشیمانی کرده و جدان خفتهء آنها بیدار شده یا از صف اردوی رژیم فرار و به مجاهدین پیوسته اند یا اینکه از داخل قطعات عسکری با تماس قبلیکه با مجاهدین قرار کرده اند دست به تخریبات جبران ناپذیر علیه دولت زده اند.

معلم عبدالرزاق شهید با پختگی سیاسی و نظامی که در دوران دوازده سال جهاد

مسلحانه حاصل نموده در همچو زمینه نیز  
 کار مثمر انجام داده بود که نتیجهء دلخواه  
 آنرا بروز ۲۵ سنبله ۱۳۶۷ بدست آورد. قبل  
 از این تاریخ توسط عوامل نفوذی با دو نفر  
 صاحب منصب تماس برقرار نموده به کمک  
 و همکاری آنها توانست تعداد دو صد هفت  
 میل کلاشنکوف جدید روسی را از چنگ  
 دولت ملحد طور غنیمت بدر آورد.

۹- طوری که در بخش دوم این رساله نیز  
 یاد شده در روز های که آخرین سربازان  
 قشون شکست خورده روسی بادت و پاچگی  
 مشغول خروج و تخلیه وطن قهرمان پرور ما  
 بودند، معلم عبدالرزاق طی يك عملیات بی

باکانه متهورانه دو نفر از ارتشیان اردوی  
تجاوز کار روس را که یکی آن افسر و دیگر  
سرباز بود به اسارت گرفت حین اسارت از  
نزد این دون صفتان يك عراده موتر جیپ،  
دو میل ماشیندار يك میل تفنگچه و يك  
دستگاه مخابره هم بدست مجاهدین افتاد.  
علاوتاً دو عراده وسیله نقلیه نظامی دیگر  
نیز به غنیمت گرفته شد.

چون تمام تلاش روسهای متجاوز برای  
رهانیدن دو نفر اسیر شان بی ثمر باقی ماند  
به سر افگندگی تن به قبول پیشنهاد  
مجاهدین داده دو نفر اسیر خود را با تعداد  
شصت و هشت تن مجاهدین که بنام محبوس

سیاسی در زندان های رژیم کابل در بند  
بودند و تعداد شش میل تفنگ کلکوف تبادل  
کردند.

۱۰- ضربات کاری و خرد کننده که  
مجاهدین تحت فرمان معلم عبدالرزاق در  
منطقه تنگی خلم به کاروان های نظامی  
واکمالاتی دولت ملحد وارد کرده بودند،  
دولت را ب فکر ایجاد و جابجا کردن پوسته  
های مستحکم امنیتی در منطقه تنگی خلم  
انداخت، این مأمول را بزودی بر آورده  
ساخته پوسته نهایت مجهز و مستحکم  
ایجاد کرد. ولی این پوسته نیز با تمام  
تجهیزاتش بمقابل یوزش معلم عبدالرزاق تاب

مقاومت نیاورده در ماه عقرب سال ۱۳۶۸  
با همه مهمات خود بدست پرتوان معلم  
عبدالرزاق فتح گردید.

۱۱- یکی از عملکرد های تعجب بر انگیز  
این قهرمان شهید شبخون موفقانه تاریخی  
بیست و هفتم قوس سال ۱۳۶۸ در منطقه  
آب کنج بندر حیرتان بالای کاروان نظامی  
دولت ملحد است که ضمن کشته وزخمی  
ساختن عده کثیر افراد دشمن واز بین بردن  
تعداد زیاد وسایط زرهی و نقلیه، به تعداد  
هفت صد میل تفنگ کله شنکوف و سه عراده  
موتر را از ملحدین به غنیمت گرفت.

۱۲- روز بیست و هفت دلو سال ۱۳۶۸ به

معیت سایر هم‌زمان خود شاهراه کابل  
 حیراتان را درز ناحیه تنگی خلم مسدود  
 ساخته بالای قطار عظیم اکمالاتی دشمن با  
 فیر راکت و سایر سلاح ثقیله حمله کرد. در  
 اولی دقایق نبرد نوزده عراده موتر حامل  
 مهمات جنگی و پنج عراده تانک زرهی را با  
 سر نشینان آن به آتش کشید.

این عملیات هشت شبانه روز بطول انجامید  
 درین مدت دشمن سیزده مرتبه دست به حمله  
 متقابل زد و هر بار به شکست فاحش روبرو  
 شد. آخر الامر با بجا گذاشتن هفتاد کشته  
 اعم از عسکر و صاحب منصب و از دست  
 دادن یازده عراده تانک، بمشکل زیاد خود را

از مهلکه بدر کرده راه فرار پیش گرفت. ولی  
 به تلافی این شکست با استفاده از آتش  
 توپخانه دور بردوقوای هوایی زیاده  
 از شصت مرتبه مردم بیدفاع ملکی خلم  
 و اطراف آنرا بشکل ظالمانه تحت بمبارد قرار  
 داده تلفات و خسارات هنگفت جانی و مالی  
 را بار آورد .

مجاهدین تحت قیادت معلم عبد الرزاق این  
 جنایت دشمن را بی جواب نگذاشته با  
 استفاده از سلاح سنگین مواضع فرماندهی  
 و پوسته های به اصطلاح امنیتی را تحت  
 آتش گرفته زیاد تر از پنجاه نفر افراد آنرا  
 هلاک ساختند .

۱۳- بروز سوم جوزای سال ۱۳۶۹ همراه  
 با مجاهدین ایثار گر در ناحیه تنگی خلم  
 قطار نظامی رژیم کابل را متوقف ساخت .  
 در اثر برخورد با قوای دولتی در جریان این  
 عملیات يك عراده تانک زرهی با شش عراده  
 موتر کاماز و يك عراده وسیله نقلیه نظامی  
 توسط آتش راکت منهدم و تعداد شش نفر  
 عسکر و يك نفر افسر رژیم بنام تورن عبدالله  
 رئیس ارکان غند محافظ قطار به اسارت  
 مجاهدین درآمدند که يك عراده وسیله نقلیه  
 حامل این افراد هم طور سالم بدست  
 مجاهدین افتاد .

۱۴- طی عملیاتی که بروز بیست و دوم

سرطان ۱۳۶۹ شروع و دوروز به درازا کشید معلم عبدالرزاق و مجاهدان تحت فرمان او بار دیگر قطار نظامی دشمن را در منطقه تنگی خلم متوقف ساخته تحت آتش بی امان و بلا انقطاع قرار دادند که در اثر آن دو عراده تانک زرهی و یک عراده وسیله نقلیه طعمه حریق، پانزده نفر افراد دشمن اسیر و ده نفر شان به هلاکت رسیدند درین نبرد بیست و پنج میل تفنگ کلاشنکوف به غنیمت مجاهدان درآمد.

دشمن به پیروی از سیاست غیر انسانی و شناخته شده اش انتقام این شکست خود را از مردم غیر نظامی و بی دفاع منطقه گرفته با

مبارد و وحشیانه حدود چهل تن مسلمانان  
مظلوم را شهید و بیشتر از یکصد نفر دیگر  
را زخمی ساخت.

۱۵- عملیات دیگری بروز ۲۰ سنبله سال  
۱۳۶۹ از طرف این قهرمان همیشه جاوید  
طرح ریزی و توسط مجاهدان جان بر کف به  
منصهء تطبیق قرار گرفت که ضمن آن ده  
عراده تانک و وسایط نقلیهء دشمن حریق  
و دوازده عراده وسیله نقلیه حامل مواد  
غذائی سالم تبه غنیمت گرفته شد.

۱۶- مطابق پلان حساب شده ، عملیات  
وسیع و برق آسائی را بروز دهم عقرب سال  
۱۳۶۹ بالای پوسته های مستقر در تنگی

خلم آغاز و ضربات مرگبار و بنیاد بر اندازی  
 را به پیکر دشمن وارد ساخت که در نتیجه  
 سه پوسته بسیار قوی و خطرناک دشمن  
 کاملاً منهدم و سه عراده تانک بکام آتش  
 رفت. همینطور یکصد و پنجاه عراده موتر  
 با مقدار کافی مهمات جنگ از قبیل  
 ماشیندار و هاوان به غنیمت گرفته شده  
 و تعداد چهار صد نفر از افراد مسلح با  
 سلاح دست داشته تسلیم گردیدند.

۱۷- يك ماه و چند روز بعد از همین روز  
 که مصادف به هفدهم قوس ۱۳۶۹ می باشد  
 تنگی خلم را بروی قطار نظامی در حال عبور  
 دولت مسدود و به اثر تبادل آتش چهار عراده

تانك را تخریب و دوعراده دیگر را سالم  
 بدست آورد. دشمن همانند گذشته دست به  
 بمبارد و حشیانه منازل مسکونی اهالی خلم  
 زده تعداد زیادی را شهید و زخمی نمود.  
 معلم عبدالرزاق نیز به گونه گذشته جواب  
 مشت را بامشت کوبنده تر داده یکبار دیگر  
 بروز بیست قوس ۱۳۶۹ بر پوسته های  
 مستقر در تنگی خلم شبخون زد و یک پوسته  
 و یک عراده تانک را کاملاً منهدم نمود. دو  
 افسر دولت درین شبخون هلاک و دونفر  
 عسکر به اسارت درآمدند همچنان مهمات  
 زیادی از قبیل گرینوف - پیکا - دهشکه -  
 زیکویک و کلاشنکوف به غنیمت گرفته شد.

۶۰

دولت با بکار گیری قوای هوایی جهت بیرون راندن مجاهدین از سنگرها و مواضع شان داخل اقدام گردید ولی به اثر شلیک سلاح دافع هوای مجاهدین یک فروند طیاره جت رژیم بروز بیست و هفت قوس ۱۳۶۹ سرنگون گردید و باقی طیارات راه فرار در پیش گرفتند.

۱۸- بخاطر تقبیح روز سیاه شش جدی ۱۳۶۹ معلم عبدالرزاق شهید با یاران همسنگرش در منطقه تنگی خلم جلو کاروان نظامی دشمن را سد نموده با آتش بی امان سه عراده تانک را طعمه حریق موسی و پنج عراده وسیله نقلیه دولت را با محمولهء

نظامی آن به غنیمت گرفت.

تعداد چهل و پنج نفر افراد دشمن نیز با

سلاح دست داشته به اسارت افتادند.

۱۹- از آنجائیکه یورش های بدون وقفه

و ضربات تباه کن معلم عبدالرزاق مجالی

برای فعالیت و حرکت پوسته ها و گروپ های

ملیشه دولتی متمرکز در مسیر شاهراه کابل

حیرتان باقی نگذاشته بود، و روزی نبود که

معلم عبدالرزاق و یاران با وفایش چون رعد

و برق به سر وقت این مزدوران دون همت

نازل نشوند و عده شانرا بخاک و خون نکشند.

لذا بهتر دیدند با گذاشتن اسلحه بزمین و ابراز

ندامت از همکاری و همراهی با رژیم ملحد

فقط زندگی خود را نجات بدهند. چنانچه  
 بروز بیست و یکم حمل سال روان گروپ  
 عمده از ملیشه های دولتی به سر کرده گی  
 ابراهیم و نجیب سیاه همراه چهل ونه نفر از  
 افراد شان به معلم عبدالرزاق تسلیم شده  
 اسلحه متنوعی از قبیل زیکویک، راکت  
 انداز، مخابره، کلاشنکوف و تفنگچه را نیز  
 به مجاهدین سپردند. آنچه گفته آمد نمونه  
 بود از شهکار های بیشمار جهادی معلم  
 عبدالرزاق شهید. به ساتناد ضرب المثل  
 مشهور فولاکلوری که میگویند مشت نمونه  
 خروار، همین چند مثال محدود برای معرفی  
 او کافی و بسنده خواهد بود.

افسوس که دست تقدیر همچو اختر  
 رخشنده آسمان جهاد علسبردار مبارزهء  
 مسلحانه، معلم توانا، قوماندان نامدار  
 یادگار ورهنورد طریق عیاران جوانمرد بلخ را  
 از کنار ما ربود و با فقدان او خلای جبران  
 ناپذیری را در مرحله نازک کنونی که جهاد  
 اسلامی ملت ما با نیرومندی راه خود را  
 بسوی قله فتح و پیروزی طی میکنند بما  
 تحمیل کرد.

این مجاهد نستوه که یکبار در دورهء  
 خلقی ها با اسارت بدام این جلادان معاصر  
 تايك قدمی مرگ بیش رفته و بطور معجزه  
 آسای از زیر تیغ چنگیزیان قرن بیستم جان

سالم بدر برده بود، هراس و وهم را در مقابل  
 دشمن اهرمین و هیولای مرگ یکجا  
 سوا گذاشته تا لحظهء واپسین چون سیل  
 خروشان و موج هیبت ناک بر دشمن تاخت .  
 موجیم که آسوده گی ما عدم ماست  
 مازنده برآنیم که آرام نگیریم  
 اوشهادت را مانند هر مومن دیگر والاترین  
 هدف خود میدانست و بخاطر رسیدن به این  
 هدف لحظهء از پای نه نشست و آرام نگرفت.  
 در موارد که دشمن باساز و برگ فروان  
 و عصری جنگی و نفرات بیشمار برای مقابله  
 با او بمیدان آمده بود و از نگاه تیوری  
 نظامی در همچو حالات که هیچ نوع تناسب

از لحاظ تعداد نفرات وامکانات جنگی بین  
 دو طرف موجود نبوده شاید مشهور ترین  
 نظامیان جهان حاضر به مقابله و ایستادگی  
 نشده باشند اما او بدون هراس در  
 دشوارترین شرایط طارق وار همه را ههای  
 برگشت و عقب نشینی را بر خود مسدود ساخته  
 بدشمن تاخته است.

در تمام عملیات و نبرد های که او انجام داده  
 استراتژی طرح شده او حرکت بجلو بوده نه  
 عقب نشینی که ما از ورای مطالعه عملکرد  
 های جهادی او این حقیقت را بخوبی درک  
 کرده میتوانیم .

اینکه او دیگر با مانیت برای ما جای

نهایت تأثر و اندوه است ولی او بالاخره خود را به هدف نهائی خود نایل ساخت و چنان افتخاراتی را در جریان جهاد مسلحانه کمائی کرد که او را نمیوان بحساب مرده گان بشمار آورد نام او تا ابدیت جاودانه خواهد بود.

«مرد نمیرد بمرگ ، مرك از او نام جست

نام چو جاوید شد مردنش آسان کجاست»

باور کامل است که راه او بی راهرو باقی نخواهد ماند زیرا او همچنان که يك مجاهد بی مانند بود معلم و رزیدهء رسالت قبلی اش را از یاد نبرده هر يك از این مردان راه حق را از لحاظ تقوا، زهد ، ایمانداری و ایستادگی بمقابل دشمن تا حد آخرین رمق

آموزش نیکو داده است. تا در صورت  
نبودنش جبهات او همچنان استوار و شکست  
ناپذیر باقی مانده چون دژ نفوذ ناپذیر بمقابل  
دشمن پایدار بماند.

زود خواهد بود که ما شاهد باشیم یکی  
دیگر از جوانمردان خلمی مربوط جبهات او  
شمشیر بخاک افتاده معلم خود را برداشته با  
قدرت بیشتر و نیرومندی افزون تر بر فرق  
دشمن بکوبد و شهرت جبهات قوماندان معلم  
عبدالرزاق را بیشتر از گذشته بگوش دوست  
و دشمن برساند تا دشمن زبون بداند با نبودن  
همچو اختران، راه جهاد ما تاریک و بی فروغ  
نماند هر روز اختران تابنده تری طلوع

میکنند.

نگاه کوتاه ومختصری به تاریخ مبارزات  
مردم افغانستان میرساند هر باری که ملت  
مامورد تجاوز یا مداخله قدرت های جهانی  
ومنطقوی قرار گرفته قهرمان های نامی از  
میان مردم بپا خاسته با جانبازی واز  
خود گذری حماسه های جاودان افریده دیر  
یلا زود دشمن تجاوز ومداخله گر را از پا در  
آورده مجبوره فرار ساخته اند. از اسکندر  
مقدونی تا چنگیز خان مغول واستعمار  
انگلستان واخیراً ابر قدرت روس که  
مستقیماً با ملت مادر صحنه پیکار مصاف  
دادند ضرب نشست ما را چشیده چنان

پریده چي وسوغم ددين په شمع له پتنگانو نه می مه بیلوه  
 عاشق دشمعی یم پتنگ غوندي مجمر ته ځمه  
 دلور وغرونو دشاهین په شانې مورجانې زه لور پروازونه کوم  
 دخوږ اسلام دخپريدو په هیله دهر باطل سره جنگونه کوم  
 دتورو شپو په ترگمویسي سحرته ځمه  
 که زه شهید شوم مهربانې مورې زما په قبر به مزار جوړوي  
 سحر ما بنام به مې زیارت ته راځي زما بیرغ به په سینگار جوړوي  
 داسې یې وگڼه مورجانې چي اختر ته ځمه  
 په هسکه غاړه داخلاص په ژبه مبارکي دشهادت راکوه  
 گوره دعا کې دې چي هیرنه شمه راته نڅنی په هر ساعت راکوه  
 خدای ته مې وسپاره لقاد پاک اکبرته ځمه  
 مورې منم ستابه زرگی خوږیږی خو گوره ما پسې ژړاو نکړي  
 په هر ساعت به زه یادېږم درته دفرقت می څه پر واونکړي  
 زما باوردی په دې لاره به کوثر ته ځمه  
 داسلام باغ په وچیدو دی مورې زه یې په وینو دبدن اوبوم  
 غواړم تیارې دجهالت شي ورکې ورته ډیوي په خپل مدفن بلوم  
 زه گوهری به په قیامت کې خپل گوهر ته ځمه  
 دجنگ وگرتنه ځمه نه حصارېږم

درسی آموختند که چندین نسل آینده آنها  
هم جرأت نخواهند کرد اشتباه نیاکان خود را  
تکرار کنند.

اما قدرت های دیگر جهانی و منطقوی  
وعده کشورهای دور و نزدیک که در جریان  
جهاد ملت افغان روی انگیزه های مختلفی  
بما کمک و معاونت کردند، بعضاً بفکر غلط  
آرزو های ناجایز را بسر پرورانیده بامداخله  
بی شرمانه در اوضاع داخلی ما میخواستند  
مسیر جهاد و مبارزه ما را منحرف و ما را  
به مردم دنیا طور دیگری معرفی کنند حتی  
به پاس معاونت های شان آنقدر برای خود  
حق قایل میشوند که حق تعیین سرنوشت ما را

گوهری

## دشهادت په آرزو

مورجانې تور ټوپک مې راکړه چې سنگر ته ځمه  
 دجنگ دگرته ځمه — نه حصار پرېم  
 ملامې ترلې جهادونه کوم ځم دسنگر په لور روان يم  
 دخوږ اسلام دحفاظت په خاطر زه تيرتر سراو تير ترخان يم  
 په دې آرزو دقربانۍ ښکلي محضرته ځمه  
 که له اسلامه قربانې شم يوځل مورې په زړه کې بل ارمان نلرم  
 دشهادت کفن په سرېم روان ترس له گوليو په هيڅ شان نلرم  
 په ډير اخلاص دشهيدانو سر لښکرته ځم  
 ادکې مورې هيڅ پروامه کوه باب شهيد يا به غازی مورېم  
 په دواړو لارو کې فاتح به زه کړه انځار چې زه زخمي رادروم  
 شکر کوه کړم کړم چې زه محشرته ځمه  
 تا په غيرت کې رالوی کړی يم بې غيرتي په ځان منلی نشم  
 دحریت او آزادی زانگو کې - کړم دې رالوی غلام کيدلی نشم  
 دزړه په مينه دسروينو سمندرته ځمه  
 زما همزولي سنگرته لاول ادکې مورې نورمې مه ستنوه

۷۰

از ما گرفته آرزو دارند بعوض دولت  
 مزدور کابل دولت مزدور دیگری را که صرف  
 دنباله او اهداف توسعه طلبانه آنها باشد به  
 ما تحمیل کنند. سنگ اندازی ها و کار  
 شکنی های این عده کشور ها مشکلاتی  
 را برای ملت ما درین مرحله سرنوشت ساز  
 ایجاد کرده ما از رسیدن به موفقیتی که باید  
 چند سال قبلیه آن دست میافتیم مانع شده  
 و سبب تأخیر حصول آزادی ما شده است.

ملت ما به بانگ رسا به این عده کشورها  
 و سردمداران شان خطاب می کند:

گرندانی غیرت افغانیم

چون بمیدان آمدی میدانیم

صدها سلام من بتو ای عاشق خدا  
 کی میروی زیاد من ای پیکر وفا  
 نام تو در ضمیر همه جاویدان شهید  
 ای جانباز راه خدا پهلوان شهید  
 کردی تلاش بهره‌دهف میر کاروان  
 ای کاش نگشتی هدف تیر دشمنان  
 گلگون قبا پوشیده‌ای نوجوان شهید  
 ای جانباز راه خدا پهلوان شهید  
 گوید چو «خنجری» به روان تو صد سلام  
 بادا طریق و راه وفای تو مستدام  
 گشتی تو شمع بزم همه نوریان شهید  
 ای جانباز راه خدا پهلوان شهید

خنجری

## رهرو کهکشان نور

صدها سلام من بتو ای قهرمان شهید  
 ای جانباز راه خدا پهلوان شهید  
 ای رهرو دلاور این کهکشان نور  
 نوشیدهء توجرعہء کزبادہء سرور  
 در راه عشق دادہء سرجانفشان شهید  
 ای جانباز راه خدا پهلوان شهید  
 صد آفرین بعزم تو ای مرد راه حق  
 کردی دفاع ز سنگرت تا واپسین رمق  
 بودی حدی ثی باخبر کاروان شهید  
 ای جانباز راه خدا پهلوان شهید

ما که به یاری خداوند قدرت های شیطانی  
 بزرگی را بزانو در آورده ایم از هیچ قدرت  
 جهانی و منطقی دیگری که بمقابل ارادهء ما  
 قرار گیرد هراسی نداریم ملت ما چون دژ  
 استوار است و چون کوه پایدار همانطوریکه  
 تا حال از همهء ازمون های تاریخی سر بلند  
 بدر آمده از این آزمون مهم نیز بلطف و یاری  
 خداوند با افتخار و جلال تمامتر بدر آمده  
 نتیجهء دوازده سال جهاد اسلامی و خون یک  
 ونیم میلیون شهید و آبروی بیش از پنج میلیون  
 مهاجر خود فدای امیال و آرزو های ناجائز  
 دیگران نخواهد کرد .

ومن الله التوفیق



سنگردار شهید معلم عبدالرزاق در گوشه از صف مجاهدین خویس در سنگر جهاد

